

فصل‌نامه جندی‌شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۸

### حرم سراآشیانی برای فحشا نبود، بلکه یک مدرسه بود<sup>۱</sup>

خلیل اینالچق

ترجمه کسری محبی مقدم<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱/۱۶

از دیرباز غریبان هنگامی که از حرم‌سرای عثمانی سخن می‌گفتند، آن را جهانی پر رمز و راز و پر از شگفتی‌های خیال‌انگیز و داستان‌گونه که بیش از ۲۰۰ تا ۳۰۰ زن در آن محصورند، توصیف می‌کردند. در مدت حکمرانی عثمانیان، حرم ایشان برای غریبان همواره مرکز توجه و روایت پردازی بود. به سال ۱۴۳۲ هنگامی که برتاندون دولا بروکویر<sup>۳</sup> از قصر سلطان مراد دوم در ادرنه دیدار می‌کرد از جاریه‌های<sup>۴</sup> برهنه که در حوض قصر برای لذت سلطان بودند سخن می‌گوید.

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

İnalçık, Halil. "Harem bir fuhuş yuvası değil bir okuldu," *Osmanlı sultanlara aşk mektupları*, Ankara: Türk tarih ve kurumu basımevi, 1990.

۲. کارشناس ارشد تاریخ اسلام از دانشگاه تهران kasra.mohebbi.mo@ut.ac.ir

3. Bertandon De La Brocquiere

۴. به کنیزانی که در حرم‌سرای عثمانی حضور داشتند و جزئی از مایملک سلطان به حساب می‌آمدند در دوران عثمانی جاریه نام داده می‌شدند.

اگر دقیق‌تر نظر کنیم، درباب سلطان مراد سوم در قرن شانزدهم نیز مطلبی درست با همین مضمون نقل شده‌است. پاول ریکوت سفیر انگلستان نیز داستانی تماماً بر اساس تخیلات خیال‌انگیز تعریف می‌کند که در آن سلاطین از میان انبوهی از جاریه‌های آراسته می‌گذشتند و برای برگزیدن جاریه مورد نظر خود دستمالی بر روی شانه وی می‌گذاشتند. همچنین ریکوت از همجنس‌خواهی میان زنان حرم خبر می‌دهد و می‌گوید که این امر بسیار در حرم‌سرا رایج بوده‌است و اربابان حرم خود ترتیب مجازات این زنان را می‌دادند و ایشان را در کیسه‌ای می‌بستند و زنده در دریا می‌افکندند.

جدای از هرگونه نظر، حرم و جامعه عثمانی را باید در معیارهای زمان و مکان خویش بررسی کرد و برای این بررسی باید شناختی جدای از دیدگاه امروزی به ماجرای ایشان ارائه کرد که متعارف با عصر عثمانی باشد. در دوران سلطنت عثمانی جاریه‌ها و غلامان در بازارها خرید و فروش می‌شدند یا اسرای جنگی بودند که جزئی از مایملک اربابان خویش به حساب می‌آمدند و البته در مقابل هرگونه درخواست اربابشان بی‌اراده بودند؛ درخواست‌های اربابان شامل ارتباط جنسی نیز می‌شد و از این روابط ممکن بود فرزندی نیز حاصل شود که البته فرزندآوری جاریه‌ها را از اسارت نمی‌رهاند. براساس حقوق اسلامی فرزند یک جاریه از یک مسلمان آزاد نیز آزاد به حساب می‌آمد و همچنین جاریه‌هایی که فرزندی دنیا می‌آوردند نسبت به دیگرجاریه‌های بدون فرزند خوش‌اقبال‌تر بودند چرا که بعد از مرگ اربابشان دیگر فروشی نبودند بلکه آزاد می‌شدند. اربابان می‌توانستند با جاریه‌های خود هم‌بستر شوند و جاریه حقی درباب فرزندش نداشت. مسلمان شدن نیز به آزادی غلام و جاری کمکی نمی‌کرد و احکام حجاب زنان آزاد برای جاریه‌ها بلاموضوع بود.

در سالهای آغازین سلطنت عثمانی ازدواج با خاندان‌های مسلمان و مسیحی در میان سلاطین بسیار رایج بود لکن از دوران بایزید دوم به علت مسائل حقوق سیاسی از ازدواج با زنان مسلمان جلوگیری می‌شد. در این خصوص استثناهایی نظیر عثمان دوم که با دختر شیخ الاسلام اسعد

فندی ازدواج کرد و سلطان سلیمان قانونی که بنابر عشق با یکی از جاریه‌هایش به نام حرم سلطان ازدواج کرد نیز وجود دارند.

سلطان عثمانی غالباً با بیش از یک جاریه در ارتباط بود؛ و همواره زنان بیشماری برای سلطان آورده می‌شدند زیرا که نظام حرم به نحوی طراحی شده بود تا به تداوم خاندان سلطنتی کمک کند و سنت رایج در حرم‌سرا جاریه‌ها را برای آوردن پسران بیشتر تشویق می‌کرد. در حقیقت حرم قلب تپنده خاندان عثمانی بود و سیاست آن بر اساس بهتر شدن خاندان بود؛ از آن روی والده سلطان‌ها برای پسران تاجدارشان دختران زیبا روی را برمی‌گزیدند تا خاندان بتواند دوام بیابد. نظر محقق بر آن است که دیدی غربی که سلطان را زندان بان صدها زن در حرم‌سرا بدانیم و اینکه بگوییم این مکان صرفاً برای لذایذ جنسی سلطان مهیا شده بود صحیح نیست. به هر روی حرم‌سرا در خود خاندان عثمانی را پرورش می‌داد و خانه افراد این سلسله بود؛ شاهزادگان عثمانی نیز دوران طفولیت خود را در آن می‌گذراندند پس این مکان فی حده ذاته باید مرکزی باشد تا افراد خاندان را آموزش دهد و بتواند ایشان را برای اعمال حکومتی آماده سازد؛ بنابراین آموزش ادبیات زبان‌های خارجی و سایر هنرها به همراه کسانی که بتوانند آنها را تدریس کنند اجباری به نظر می‌رسید در نتیجه نظام حرم‌سرا طراحی شد و سلسله مراتب زنان به نسبت فعالیت‌ها و جایگاهشان مشخص شد. همچنانکه پسران اندرونی در خدمت رسانی به سلطان‌ها فعالیت داشتند و نظام خاص خودشان را به کار می‌بستند؛ حرم نیز با داشتن نظام و ترتیبات لازم خود یک نهاد حیاتی امپراتوری عثمانی بود.

حرم‌سرا فقط یک اقامت‌گاه محض برای سلاطین نبود؛ جاریه‌هایی که به این نهاد داخل می‌شدند باید مراتب خاصی را از سر می‌گذراندند تا بتوانند به اندرون سلطانی راه یابند. زنانی که به نظام حرم وارد می‌شدند صرف این که زن بودند نمی‌توانستند نقش‌آفرین باشند بلکه باید مراتب و آموزش‌هایی برای ایشان لحاظ می‌شد. درست متوازی با نظام پسران اندرونی که کارگران سلطان در خارج از حرم‌سرا بودند، حرم‌سرا نیز حضور داشت که کارگران آن معاش دریافت می‌کردند و خود حرم به تنهایی جهانی کامل بود که دارای خزانه و نظام تقسیم حقوق

زنان بود و در سلسله مراتب خود افراد پرنفوذی را پرورش می‌داد. بالاترین مقامی موجود در حرم بود شخص والده‌سلطان بود که از حیث نفوذ و قدرت در جایگاه یک ملکه نقش آفرینی می‌کرد و بر این اساس نمی‌توان گفت که حرم به مانند یک صومعه برای زنان بود و ایشان را از جهان دورافتاده می‌گذاشت.

عموماً در مجموعه حکومتی عثمانی به جاریه‌های به عنوان یک وسیله جنسی نظر نمی‌شد. به عنوان مثال اگر به فهرستی از کسانی که جاریه‌های زیادی در اختیار داشتند نظری بیافکنیم در خواهیم یافت که بسیاری از مالکان جاریه‌ها در شهر استانبول زنان آزاد مسلمان بودند. نقش جاریه‌های در انجام اعمال خدماتی و اقتصادی در کلیت حاکمیت عثمانی جایگاه وسیعی بود. بیشترین استفاده‌ای که می‌توان از جاریه‌ها در نقش‌های اقتصادی در سراسر امپراتوری عثمانی نام برد صنایع نخریسی است. بنابراین آنچه از نقش زنان در رشد اقتصادی گفته شد باید به واردات چشمگیر جاریه‌ها از مناطق مختلف که تحت عنوان اسیر به استانبول داخل می‌شدند نیز نظری بیافکنیم؛ بر اساس حقوق اسلامی برده بخشی از اموال صاحب خود حساب می‌شد و بالطبع تولیداتی که توسطش انجام می‌شد نیز به اربابش تعلق می‌یافت. جاریه‌ها از مناطقی نظیر قفقاز و نواحی شمالی از مردمان اسلاو و حتی از آفریقا به استانبول آورده می‌شدند که سالانه هزاران جاریه به استانبول وارد می‌شد. در قرن شانزدهم تنها سالیانه بیست هزار جاریه به استانبول وارد شدند.

در رابطه با آنچه از کنش خارج از حرم‌سرا باید گفت، این است که آغاها نقش ارتباطی زنان حرم‌سرا را با جهان بیرون ایفا می‌کردند. آگاهایی که ریاست سلسله مراتب کارگزاری حرم را برعهده داشتند از جمله بردگان سیاه‌پوستی بودند که وظیفه همراهی زنان تا خلوت سلطانی و ثبت ورود و خروج ایشان را برعهده داشتند. فارغ از آن، آغاها بر اموری یدی حرم‌سرا نظارت داشتند و حتی مسئولیت برقراری نماز جماعت در میان زنان را نیز برعهده داشتند. علاوه بر آن‌ها آغاها از قرن شانزدهم به بعد به عنوان عامل مستقیم زنان رده‌بالای خاندان سلطنتی برای کارهای عام المنفعه ایشان برگزیده شده بودند. زنان خاندان و خاصگی‌های سلطان با اموالی

که در اختیار داشتند به اوقاف نظر می‌کردند و اماکن بسیاری حتی در مکه و مدینه از جانب زنان حرم‌سرا ساخته شدند که وقف عام بودند و این ارتباطات حرم از طریق آغاها انجام می‌پذیرفت. با وجود این توصیفات این خواجه‌گان سیاهپوست از طریق نفوذی که از طریق حرم‌سرا پیدا کردند می‌توانستند در عزل و نصب حتی تا مرحله وزیراعظم نیز دخالت داشته باشند و تمامی این‌ها نشان می‌دهد که حرم نیز می‌توانست مرکزی برای اعمال فعالیت‌های سیاسی باشد.

بزرگترین و قدرتمندترین شخصیت حرم‌سرا والده سلطان‌ها بودند. این زنان مادر شاهان تاج‌دار بودند که می‌توانستند بیشترین نفوذ را بر فرزند خود اعمال کنند؛ زنانی که به مقام والده‌سلطانی می‌رسیدند سالیان طولانی برای رقابت در فضای تاج و تخت، با فرزندان خود می‌گذراندند تا از ایشان دفاع کنند. همنشینی مادران با پسرانشان علی‌الخصوص در دورانی که بعدتر موسوم به عصر قفس برای نامزدان جانشینی سلطنت بود، به شکل ویژه وابستگی شاهان را به والده‌سلطان‌ها می‌افزود و به شکل خاص والده‌سلطان به عنوان یکی از پرنفوذترین شخصیت‌های سراسر عثمانی بدل می‌شد که می‌توانست به موقعیت حرم در کانون تصمیم‌گیری سیاسی کمک کند.

جدای از آنچه که پیشتر درباب نقش کنیزان در اقتصاد قلمرو عثمانی توضیح داده شد، خاندان عثمانی نیز بر اساس حقی که بر مبنای اسلامی برای برده‌داری در اختیار داشتند، نظامی بسیار گسترده به نام بردگان درباری تأسیس کرد که شامل تمامی انسان‌هایی می‌شد که در زمره مایملک عثمانی بودند. از طرفی بسیاری از این بردگان در خدمت نظام پنی‌چری به فعالیت‌های سطح بالای نظامی دست می‌زدند و در کنار ایشان افرادی هم بودند که در سلسله مراتب گسترده دیوانی پخش می‌شدند. معذالک زنانی که در گروه جاریه‌های حرم‌سرا بودند نیز باید بر اساس اصولی بار آورده می‌شدند که بهترین صلاح‌دید را برای بهبودبخشیدن به خاندان عثمانی فراهم کنند. نقش این جاریه‌ها می‌توانست در پرورش فرزندان خاندان باشد یا همچنین

بسیاری از جاریه‌ها به عقد مردان حکومتی نظیر وزرا درمی‌آمدند و می‌توانستند برای مصلحت خاندان عثمانی فعالیت کنند.

نخستین قصری که سلطان محمدفاتح در آن اقامت گزید، امروزه حیاط بزرگ دانشگاه استانبول است و از آن قصر که موسوم به اسکی سرا یا قصر قدیمی است اثری باقی نمانده‌است. مدتی پس از اقامت در استانبول سلطان محمد دوم قصری جدید ساخت و قصر قدیم به زنانی که دیگر در حرم‌سرای اصلی عثمانی جایی نداشتند تعلق یافت. پس از مرگ هر پادشاه جاریه‌های وی از سرای جدید به قصر قدیمی انتقال می‌یافتند تا مابقی عمرشان را در آنجا بگذرانند. پس از دوران حکومت سلطان مراد سوم، جمعیت مجموعه حرم‌سرا رو به فزونی گذاشت. قصر توپقاپی تعداد جاریه‌هایش از ۴۹ نفر به ۱۰۴ نفر افزایش یافت و قصر قدیمی نیز تعدادش از ۷۳ نفر به ۱۴۶ نفر رسید. این روش به نحوی بود که به سال ۱۶۰۳ قصر قدیمی و قصر توپقاپی مجموعاً ۶۱۰ جاریه داشتند و این رقم در سال ۱۶۲۲ به ۷۰۵ نفر رسید.

دخترانی که تحت عنوان جاریه به حرم‌سرای عثمانی داخل می‌شدند باید نخست آموزشات لازم به ایشان داده می‌شد تا بتوانند بر اساس اصول حرم‌سرا در آن زندگی کنند. این دختران از جوامعی غیر مسلمان و آورده می‌شدند و بعضاً بسیار دور از فرهنگ ترکی-اسلامی دنیا آمده بودند. از جمله اولین آموزش‌هایی که این جاریه‌ها می‌دیدند، آشنایی با فرهنگ اسلامی بود و اگر مسلمان نیز می‌شدند قرآن و تعلیمات دینی به آن‌ها ارائه می‌شد. با این وجود تعلیمات این دختران منحصر به آموزه‌های مذهبی نبود هنرهایی نظیر خوانندگی، رقص، نوازندگی و صنایع دستی برای دختران حرم اجباری بود. آموزش‌های ادبی نیز به شکلی علی‌حده به ایشان ارائه می‌شد تا به ادبیات و قصه‌خوانی مسلط شوند. جاریه‌ها معمولاً در یک اتاق بزرگ در کنار یکدیگر به سر می‌بردند و برای هر یک از دختران به نسبت مقامی که در حرم‌سرا داشت غذا و البسه تعلق می‌گرفت. لکن آن دسته از دخترانی می‌توانستند به دارالسعادت و اتاق سلطانی راه پیدا کنند جزئی از نور چشمی‌های سلطان می‌شدند و اتاق مخصوص خود پیدا می‌کردند و همچنین با فرزند آوری می‌توانستند یکی از ارکان حرم‌سرا شوند و خدمتکارانی نیز برای ایشان

فراهم می‌شد. در این زمان جاریه‌ها می‌توانستند با آوردن شاهزاده برای خاندان به مقام سلطان بانو دست پیدا کنند و بعد از والده سلطان دومین مقام در سلسله مراتب حرم را داشته باشند. بعدتر نیز این زنان درجه دوم حرم که خاصگی سلطان بودند نیز پس از آن که فرزندشان به تخت می‌رسید در نقش والده سلطانی داخل می‌شدند.

از میانه قرن هفدهم بعد از مقام والده سلطانی نقش بسیار پررنگ خاصگی‌های سلطان مشخص می‌شود و بعد از ایشان دختران سلطان دارای مقام بودند. خاصگی‌هایی که در کنار سلطان بودند و برای خاندان فرزند می‌آوردند از دیدگاه غربیان لقب سلطانه به آن‌ها داده می‌شد. بعد از مقام‌های مذکور دایه سلطان قرار داشت و به احترام آن که سلطان را شیر داده بود بسیار در حرم دارای اعتبار بود و بعد از آن مقام کدخداتون قرار داشت که مسئول اداره جاریه‌های حرم و خدمتکاران بود. در دوران سلطان مراد سوم، مادر سلطان والده سلطان نوربانو روزانه ۳۰۰۰ آقچه معادل ۵۰ سکه طلا از خزانه حرم دریافت می‌داشته است. خرم سلطان نیز در دوران سلطان سلیمان روزانه ۲۰۰۰ آقچه معادل ۳۳ سکه طلا از خزانه می‌گرفته است. در سلسله مراتب آغاها و کدخداتون مأمور مستقیم از جانب والده سلطان بودند تا حرم‌سرا را اداره کنند؛ و آغاها نیز در امور خارج از حرم برای والده سلطان‌ها فعالیت می‌کردند و به نوعی بازوی فعالیت‌های سیاسی ایشان به حساب می‌آمدند.

مقام والده سلطان یکی از کانون‌های بزرگ قدرت در عثمانی بود؛ گروه‌های متعارض در مرکز تصمیم‌گیری دولتی همواره سعی داشتند تا برای استحکام ادعاهای خود نظر والده سلطان زمان را جلب کنند. بنابر اختلافات همیشگی بر سر اینکه کدام شاهزاده باید به قدرت برسد والده سلطان‌ها همواره یکی از متحدین علما، نیروهای پنی‌چری و وزرای دیوان به حساب می‌آمدند. از سنت جاری در میان نظام به تخت‌نشینی عثمانی می‌توانیم اینگونه برداشت کنیم که قتل برادران برای هرکسی که به تخت سلطنت دست می‌یازید، مجاز شمرده می‌شد. شاهزاده‌های محتمل برای به تخت رسیدن همواره در خطر کشته شدن در حرم‌سرا زندگی می‌کردند و حتی سلاطینی نظیر عثمان دوم و ابراهیم اول نیز در این مجادلات که حرم یکی از مهم‌ترین مناطق

آن بود به فجیع‌ترین وجه ممکن به قتل رسیدند و از قرن هفدهم می‌توان گفت که حرم به این مجادلات بر سر اقتدار سیاسی وارد شد و به یکی از مهم‌ترین بازیگران فعال این عصر شد. همانگونه که پیشتر گفته شد آگاهای حرم نفوذ بسیار در عالم سیاست بازی می‌کردند و درباب کشته‌شدن سلطان سلیم سوم نقش ایشان کاملاً مشخص است. سلطان سلیم سوم که بسیار هنرمند بود و در رابطه با اصلاحات بسیار توانگر بود نیز در مجادلات سیاسی کشته شد و قتل وی بسیار دردناک است که در حرم توسط چندتن از آگاهها به قتل رسیده شد و در آن دم یکی از نورچشمی‌های سلطان به نام پاکیزه خود را برای نجات سلطانش به جلوی تیغ قاتلان افکند و کشته شد و سپس آگاهها با ضرب شمشیر سلطان را به قتل رساندند.

عصر حکومت والده سلطان‌ها از زمان همسر سلطان سلیمان یعنی خرم سلطان شروع می‌شود و با نوربانو، صفیه، کوسم و توران سلطان ادامه پیدا می‌کند که دوران سلطنت این زنان بر یک قرن بالغ می‌شود.

عصر مزبور به نحوی گسترده تحت نفوذ والده سلطان‌ها در دولت عثمانی بود. زنان بزرگ حرم‌سرا همواره در عرصه سیاست نقشی بسیار پراهمیت داشتند و می‌توانستند در عزل و نصب‌ها دخالت کنند. از این رهگذار قرن هفدهم میلادی و نفوذ زنان منجر به افسانه‌پردازی‌های شگرف شد که از جانب بسیاری نویسندگان فرانسوی به آن شاخ و برگ داده می‌شد و بدین طریق بود که اصطلاح زنان سلطنتی اختراع شد که به قدرت بالای زنان در امر سیاست راجع است. بر اساس آنچه گفته شد برای نفوذ بیشتر زنان نقاط عطف تاریخی بسیار پراهمیت بودند؛ دردوران حکومت سلطان احمد اول حوادثی رخ داد که حکومت زنان را بر سیاست بسیار سهل ساخت. مادران با تأییراتی که پیشتر ذکر شد می‌توانستند بر پسران خود اعمال نفوذ کنند در نتیجه حکومتی باید مهیا می‌شد تا مادران بر سلاطین ککم سن و سال حکومت کنند. برای چنین شرایطی نقطه عطفی خاص لازم است که پس از دوران احمد اول فراهم شد زیرا که بعد از وی برای اولین بار در تاریخ عثمانی پس از سلطانی برادرکوچک‌تری به قدرت رسید و به مانند سابق از پس سلطانی فرزندش به قدرت نرسید. مشکلات روانی مصطفی اول نیز به کنترل عناصر مهمی



از حرم نظیر کوسم سلطان منجر شد. در دوران حکومت مصطفی کودتایی از جانب عثمان دوم بوجود آمد که او را در سن هفده سالگی به تخت نشانده؛ اما عناصر حرم سرا نظیر کوسم سلطان کنار نماندند بلکه وی نیز سعی در به تخت برگرداندن برادر شوهر مخلوع خویش را آغاز کرد و در نهایت نیز بدان نیل یافت. با این گذار می‌توان درک کرد که چرا قرن هفدهم را می‌توان عصر تسلط زنان حرم بر سیاست امپراتوری عثمانی دانست. سیادت کوسم سلطان در دوران سلطان مراد چهارم و ابراهیم ادامه یافت تا اینکه توران سلطان مادر محمد چهارم توانست این عنصر مؤثر حرم را به کنار گذارد. توران سلطان نیز به مانند کوسم در سیاست عصر عثمانی را در کنار وزرای کوپرولو کنترل می‌کرد و توانست از میان چالش‌های مختلف تسلط عنصر حرم را بر عثمانی حفظ کند.

در آخر باید افزود که در کنار تمام آمد و شدها و جاریه‌های مختلف، حرم سرا توانست زنانی پراهمیت به تاریخ سیاسی عثمانی ارائه دهد. زنانی که قطعاً در محیط حرم آموزش دیده بودند و سیاست و دانش عصر خود را آموخته بودند تا بتوانند تأثیرگذاری خود را حفظ کنند. در بعضی از مواقع نیز زنان پرنفوذ از بستر عشقی سوزان نظیر آنچه ما بین خرم سلطان و سلطان سلیمان می‌گذشت برون می‌آمدند. نامه‌های این سلطان و ملکه‌اش امروزه در آرشیو عثمانی یافت می‌شوند و نمونه‌ای از ادبیات رایج که در حرم برای جاریه‌ها فراهم بود را به ما می‌شناساند.